**معرفی کتاب**

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه كتاب | عکس کتاب |
| مولف: موسي‌پور، نعمت‌الله، 1343،  عنوان: درباره تدريس دانشگاهي،  ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)؛ تهران: بزرگره شهيد چمران، پل مديريت، صندوق پستي 159-14655  نوبت چاپ: اول: 1392،  مشخصات ظاهري: 372 ص. |  |

**معرفی اثر**

كتاب «**درباره تدریس دانشگاهی**» حاصل تاملات و فعاليت‌هاي علمي نویسنده ـ جناب آقای دکتر نعمت­الله موسی­پور ـ و دربردارنده دیدگاه خاص اوست؛ که با بهره­ای فراوان از تجربه بشری (نظریه­ها و پژوهش­ها) ترکیب شده و با شرحی مستدل و مستند ارائه گردیده است. این اثر در پی آن است تا به تصویری نظرورزانه از تدریس دانشگاهی اقدام کند که بتواند به آموزشگر دانشگاهی برای تدریس در فضای فرهنگی امروز دانشگاه­های ایران کمک رساند؛ فضای آموزشی ـ فرهنگی آمیخته با شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی. اعتبار این اثر به تجربه نویسنده منسوب است که تدريس درس روش تدريس را در دانشگاه­ها برعهده داشته، برگزاري كارگاه­های آموزشي روش تدريس براي اعضاي هيات علمي دانشگاه‌هاي مختلف را در کارنامه دارد، انجام پژوهش­های علمی مرتبط با تدریس را تجربه کرده، راهنمايي و مشاوره رساله­ها و پايان‌نامه­های متعددی را عهده­دار بوده و به انتشار مقاله­های علمی متعددی دراین موضوع همت گماشته است. مطالعه این بدون تردید اثر قادر است خواننده را برای ساخت دیدگاه شخصی تدریس دانشگاهی کمک کند.

در کتاب «درباره تدریس دانشگاهی»، مولف محترم با این تعبیر از «تربیت» که «هدایت همه‌جانبه ابعاد وجود شخص (خود يا ديگري)» است؛ دو وجه اصلی تربیت را با عناوین «درونی» و «بیرونی» معرفی کرده است. از نگاه نویسنده، وجه درونی هدایت آن است که خود شخص، راهبر و تدبیرکنندۀ نوع شدن خود است و وجه بیرونی به اموری مربوط است که بیرون از فرد تدارک می­شوند و دست‌کم از سوی تدارک‌کننده، به امید اثرگذاری بر عمل «دیگری» به انجام می‌رسند. به بیان نویسنده «آنچه «هسته اصلی يا جرم بحراني» تربیت محسوب می‌شود، ادراک و انتخاب تربیت‌شونده است. همه تلاش‌های بیرونی در پیرامون همین هسته اصلی به انجام می‌رسند و در صورتیکه «فرصتِ آمیختن» برای آنها پدید آید با آنچه شخص اختیار کرده، می‌آمیزند و او را در شدن کمک می‌رسانند؛ در غیر اینصورت، در راه شدن او مانع می‌سازند. «بذرِِ» شدن در درون فرد شکل می‌گیرد ـ و البته تمام تلاش بیرونی هم باید متوجه آن باشد تا زرع مناسبی شکل گیرد ـ اما این بذر در فرایند شدن، فقط خودش می‌شود. گرچه بذر از محیط پیرامون تغذیه می‌کند، اما هر بذر همان می‌شود که اقتضای ماهیت آن است. تربیت نیز «سفری» است که «مسافرانِ» آن را زندگان تشکیل می‌دهند؛ همانان که به پای خویش می‌روند نه آنکه آنان را می‌برند.»

با چنین نگاهی به تربیت، نویسنده به تعریف تدریس می­پردازد و آن را کاری معرفی می­کند که آموزشگران/ معلمان در تعامل با شاگردان خود (به صورت واقعي يا مجازي) به‌منظور تربیت آنان به انجام می‌رسانند. بر همین اساس، نویسنده معتقد است که در جستجوی پاسخ این پرسش که «*آموزشگران در تعاملات تربيتي با شاگردان، چه می‌کنند؟*» به توصیفی از تدریس می­توان دست یافت. از نگاه ایشان، در فرایند تدریس، هر یک از آموزشگران که به‌درستی ایفای نقش آموزشگری کند، به راهنمایی می‌نشیند یا همچون نورافکن به راه‌نمایی می‌پردازد. پرتوافکنی بر راه است که در جهت‌یابی راه رخ می‌نمایاند. اما، راه روشن فقط برای کسی مفید است که خواهان سفر است و آنهم سفر كردن از آن راه. در غیر اینصورت، چه فرقی خواهد کرد که راهِ بی‌رهرو، روشن باشد یا روشن نباشد؟

نویسنده می­نویسد: «در تدریس، آموزشگران کسی را نمی‌کشانند؛ کسی را نمی‌برند؛ و الزامی کارساز نیست. اشتیاق، بنیاد حرکت را می‌سازد و فرد را به پیش می‌راند؛ اشتیاقی که بر اختیار استوار است و با انرژی شخصی و درونی، آمیخته است. شاگردان هر درس، مسافران یک سفرند؛ آن هم سفری علمی. مسافران علمی دارای انرژی حرکتند؛ حرکت از آنان آغاز می‌شود، در آنان جریان می‌یابد و از آنان صادر می‌شود. اصولا، دانایی چنین ماهیت و بنیادی دارد و هر چیز که از جنس دانایی باشد، چنین است. دانایی، فعل آدمی است؛ و به همین جهت در آن اختیار، با آن عمل و از آن شعور سرمی‌زند. دانایی از شخص آغاز می‌شود و در شخص جریان می‌یابد و با شخص عجین می‌شود؛ آنچنانکه جداسازی آن از شخص ناممکن است. به‌همین‌دلیل، دانايي در فرهنگ عمومی «تنها سرمایه ماندگار» محسوب می‌شود».

بنیاد آنچه در این کتاب دنبال می‌شود این ديدگاه است که آموزشگري (معلمی کردن) جزء با تدریس ظهور نمی‌یابد و تدریس یک فعالیت «اجتهادی ـ ابتکاری» در موقعیت است. نمي‌توان براي تدريس موثر (خوب/ باكيفيت) الگو يا روش خاصي را بدون عنايت به موقعيت (زمان ـ مكان) تجويز كرد. روش‌هاي تدريس به همان ميزان كه تا اكنون در موقعيت‌هاي تجربه شده ديگر داراي قدرت تاثيرگذاري مثبت بوده‌اند، احتمال دارد كه در موقعيت‌هاي آينده داراي تاثير متفاوت (يا منفي) باشند. آموزشگران موثر كساني هستند كه بر اساس درکی كه از **مساله، مخاطب، موضوع و موقعیت** (چهار میم) دارند، به توليد الگو و روش خاص آن موقعيت عملي اقدام مي‌كنند. آنان با عشق به تدريس و يادگيري بدين عرصه وارد شده و كار آموزش را با فراهم‌آوري لوازم آن، تدبير مي‌كنند. پس آنان «روش موثر تدريس» خود را در انطباق با «مساله» مشخصي كه در زمان ـ مكان با آن مواجه‌اند، «مي‌سازند».

خواندن این کتاب برای تمامی کسانی که به کار آموزشگری مشغول هستند و یا قصد دارند به آن وارد شوند، مفید و حتی ضروری است. این سخن را کسانی بهتر ادراک می­کنند که توفیق مطالعه کتاب را بیابند. علاقمندان می­توانند کتاب را از انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) به شیوه­های متفاوتی دریافت کنند.

**ساختار و عناوین فصول کتاب**

تدوين اين اثر با ساختار بديعي برای هر فصل صورت گرفته است كه علاوه بر متن اصلي، مشتمل بر سه بخش است:

اول: در ابتداي هر فصل به طرح چند موضوع اقدام شده است؛ كه نوعي زمينه‌سازي براي ورود به بحث‌هاي فصل محسوب مي‌شود و عناوين آنها عبارتند از: «دستاورد ممکن»؛ «شما چگونه می‌اندیشید؟»؛ «واژگان کلیدی» و «موضوعات فصل».

دوم: در متن هر فصل، تحت دو عنوان مجزا به طرح مباحثي اقدام شده كه مرتبط با مباحث اصلي فصل هستند ولي طرح مستقيم آنها سازمان مباحث را دچار مشكل مي‌كرده است. اين عناوين عبارتند از: «حاشيه» و «پرسش‌هایی برای تامل».

سوم: در پايان هر فصل نيز قسمتي تحت نام «تكمله» قرار گرفته و از خواننده براي ارائه نظرات خود دعوت شده است.

این اثر مشتمل بر ده فصل با عناوین زیر است:

فصل اول: جايگاه تدريس در نظام دانشگاهي

فصل دوم: تعريف مفاهيم اساسي

فصل سوم: ماهيت آموزش و تدريس

فصل چهارم: پرسش‌هاي اساسي در تدريس دانشگاهي

فصل پنجم: ديدگاه‌هاي بنيادي تدريس

فصل ششم: مراحل و انواع تدريس دانشگاهي

فصل هفتم: شايستگي‌هاي عمومي تدريس دانشگاهي

فصل هشتم: راهبردهاي تدريس دانشگاهي در محك تجربه

فصل نهم: رشته‌هاي تحصيلي و تدريس دانشگاهي

فصل دهم: واقعيت‌هاي تدريس دانشگاهي در ايران: در تدارك گامي فراتر

**فرحناز قدوسی؛ دانشجوی دکترای برنامه­ریزی درسی و مدرس دانشگاه.**